

کارشناسانه است. اما راه حل این شکل، کم مصرف کردن نیست، بلکه بهینه و یا به قول معروف درست مصرف کردن است. در این رابطه، دولت موظف است که سیاست های اجرایی خود را به صورت کاملاً شفاف به مردم اطلاع دهد و از راه حل های غلطی همچون تعیین قیمت دستوری پرهیز نماید. البته نباید این مسأله را نیز از یاد برد که بخش عظیمی از مصرف انرژی در کارخانجات و سازمان های دولتی صورت می پذیرد. امید است دولت محترم، برای نیل به اهداف بلندمدت جامعه و همچنین دستیابی به مقاصد اصلی با نام گذاری سال جاری، با تغییر در روند مصرفی خود، سبب پدید آوردن عزمی ملی از سوی مردم شده که در کنار هم به رشدی متعالی و متناسب با اهداف نظام دست یابیم. ان شاء الله ■

موضوع اصلی یا کاور استوری (Cover Story) این شماره «اقتصاد ایران» را در رابطه با «اصلاح الگوی مصرف در ایران» در صفحات ۳۰ - ۳۳ می خوانیم.

## نقش تجارت در رشد و توسعه اقتصادی

# منافع برون مرزی

## نگاه دکتر هوشنگ شجری، عضو هیأت علمی دانشکده اقتصاد دانشگاه اصفهان، به مقوله بازاریابی و تأثیر آن بر رشد و توسعه اقتصادی کشور



مثال، همین موضوع به ظاهر پیش پا افتاده رنگ، در حوزه بازاریابی بین المللی یک مقوله بسیار مهم و تعیین کننده محسوب می شود. یک مسأله اساسی تر در این رابطه، سطح مشخصی از کیفیت کالای صادراتی است که باید با استانداردهای جهانی هماهنگ باشد.

یکی از مسائلی که در سال های اخیر با آن مواجه هستیم، بحث حذف چتر حمایتی دولت از صنایع می باشد. صنایع تا زمانی که در مراحل نوزادی به سر می برند، باید مورد حمایت دولت ها واقع شوند تا به حد مشخصی از رشد و بالندگی برسند. سپس با حذف چتر حمایتی دولت، این صنایع نوپا با قرار گرفتن در بازارهای رقابت خارجی، توانایی دستیابی به بالندگی و رشد را خواهند داشت. متأسفانه اتفاق بدی که در بسیاری از کشورها رخ داد، تبدیل شدن حمایت موقتی به حمایت دائم بود که این امر، گرفتاری هایی را برای صنایع و اقتصاد این کشورها به وجود آورده است.

لذا عبور از مرحله رشد صنایع تولیدی ایجاب می کند که با یک برنامه کارشناسی شده و مشروط به دوره زمانی مشخصی حرکت کنیم و بپذیریم که در پایان مهلت مورد نظر، هیچ نوع حمایتی در کار نخواهد بود. فقط با پایبندی به چنین شرایطی و تحت لوای برنامه حمایت موقت به موفقیت خواهیم رسید. در غیر این صورت، با حمایت دائمی از صنایع، زمینه های بروز مزیت های تولیدی شرکت ها بروز نخواهند کرد. این قبیل حمایت های موقتی با برنامه های سازمان تجارت جهانی هم منافاتی ندارند، چرا که آنها هم مشوق چنین حمایت های برنامه ریزی شده ای هستند. در سال ۱۹۹۲ در آستانه پیوستن ژاپن به سازمان تجارت جهانی، برنج کاران این کشور ضمن برگزاری راهپیمایی، مخالفت خود را نسبت به واردات برنج آمریکایی اعلام کردند و علت این مخالفت را نابودی فعالیت های برنج کاری در صورت واردات برنج آمریکایی - که حاصل تکنولوژی پیشرفته ای بود - قلمداد کردند. سازمان تجارت جهانی نیز در چارچوب یک توافقنامه رسمی و طی زمانی معین به دولت ژاپن اجازه داد تا به حمایت از برنج کاران خود بپردازد. نتیجه آن که دولت ژاپن از ورود برنج آمریکایی - تا زمانی که این کشور از نظر تکنولوژیکی، توان رقابت با برنج آمریکایی را داشته باشد - ممانعت کرد.

از این رو، ما نیز در صورتی که بخواهیم از یک صنعت مشخص و طی زمان معینی حمایت کنیم، از نظر مقررات بین المللی مشکلی نخواهیم داشت. بنابراین می توانیم با طرح

کاهش کسری بودجه منجر خواهد شد، می تواند راهکاری مناسب در این مجرا قلمداد شود. پدید آوردن طرح هایی همچون هدایت مصرف - که سبب مصرف عاقلانه و مدبرانه از سوی دولت شده و به تبع آن موجب اصلاح آگاهانه مصرف از سوی بخش خصوصی خواهد شد - در کنار آرایه گواهینامه های کیفیت برای بخش های پرمصرف و سیاست های مالیاتی تشویقی و تنبیهی برای کنترل از دیگر اقدامات قابل قبول در جهت دستیابی به اهداف مدنظر در سیاست های راهبردی مقام معظم رهبری در سال جاری می باشد.

همچنین تأسیس صندوقی تحت عنوان «صندوق هدایت مصرف» که با دریافت مالیات از تولیدکنندگان بی بازده دولتی و پرداخت آن به تولیدکنندگان بهره ور - که نیازمند حمایت های کوتاه مدت می باشند - امری مثمرتر خواهد بود. اما در این راستا، انرژی را نباید از یاد برد. مصرف سرانه بسیار بالای بنزین و گازوئیل در کنار دیگر حامل های انرژی که سطوح و استانداردهای جهانی است، نیازمند توجهات

بسیاری از صاحب نظران اقتصادی دو استراتژی جایگزینی واردات و توسعه صادرات را به عنوان راه های رسیدن به توسعه اقتصادی مطرح می کنند. در استراتژی جایگزینی واردات - که نقطه آغازین آن، بخش صنعت می باشد - توسعه باید از طریق بسط صنایعی که به تدریج جایگزین واردات می شوند، صورت گیرد. ایران این سیاست را پیش از انقلاب دنبال می کرد و هم اکنون نیز علیرغم چند بار تغییر جهت، همچنان به دنبال اجرای سیاست مذکور است. بنابراین، بدیهی است که این سیاست، به عنوان روشی برای توسعه اقتصادی، مورد حمایت باشد.

عملکرد روش مزبور به این ترتیب است که ضمن حمایت از صنایع داخلی، از طریق وضع تعرفه های گمرکی و به سبب آن ممانعت از واردات کالاهای مشابه، به تدریج تولیدات صنایع داخلی را جایگزین واردات نموده تا از این طریق، موتور توسعه به حرکت در آید. اما طبق استراتژی دوم، به جای تقویت صنایع جایگزین واردات، یک نوع جهت گیری صادراتی مبتنی بر تفسیر بازارهای جهانی و بازاریابی بین المللی، مدنظر قرار می گیرد. در روش جایگزینی واردات، با استفاده از تمام ابزارهای ممکن، صنایع داخلی در مقابل ورود تولیدات صنایع خارجی، تحت پوشش قرار می گیرند، ولی در عین حال از ورود صنایع داخلی به بازار رقابت با صنایع خارجی جلوگیری می گردد. همچنین اگر حمایت های دولتی از حد مشخصی عدول کند، صنایع وابسته به این حمایت، دچار پیشرفت و رشد کاذبی می شوند که عاری از هرگونه خلاقیت و ابداع برای رشد فنی و تکنیکی در زیرساخت های تحقیقاتی و صنعتی خواهند بود که همین حمایت های بی اندازه و نامتعارف، زمینه ساز اضمحلال صنایع مذکور خواهد شد.

برعکس، در روش مبتنی بر توسعه صادرات، آنچه مستلزم حضور صنایع در بازار رقابت خارجی خواهد بود، خلاقیت و ابتکار است. بنابراین، در یک کلام، مسأله بودن و نبودن مطرح است و معیارها نیز کاملاً مشخص می باشند. به همین دلیل است که کشوری همچون ژاپن، با اختصاص رقمی معادل ۳۳ میلیارد دلار بابت هزینه های تحقیقاتی، خود را برای رقابت در بازارهای نیویورک آماده می کند.

علاوه بر خلاقیت، ابتکار، پیشرفت تکنولوژیکی و سازماندهی تولید، سیستم ارزی مناسب و اقدامات مناسب برای بازاریابی بین المللی نیز دو مورد بسیار مهم در اجرای سیاست توسعه صادرات محسوب می شوند.

در صورت اتخاذ سیاست توسعه صادرات برای دستیابی به توسعه اقتصادی، باید تمام ملزومات متناسب با آن - از نوع بسته بندی گرفته تا شاخص های فرهنگی نظیر جایگاه رنگ در فرهنگ های مختلف - را در امر جهت گیری صادراتی لحاظ کرد، چراکه به عنوان

یک هشدار در نظر داشته باشیم تا مبادا خصوصی سازی تبدیل به اختصاصی سازی شده و با رانت جویی برخی افراد خاص و اختصاصی شدن صنایع همراه شود.

بر این اساس، خصوصی سازی به معنای واقعی، تنها با عبور از بازار سرمایه امکان پذیر خواهد بود و در غیر این صورت، مفهوم خصوصی سازی، همان از این جیب به آن جیب کردن است. به عنوان مثال، طبق روندی که اخیراً در رابطه با سهام بانک ملت لحاظ شد، لااقل ۵ درصد از این سهام از مسیر بازار سرمایه عبور می کند و اگر یک برنامه ریزی مدون پشت این جریان باشد، طی یک زمان مشخص دو تا سه ساله، این رقم می تواند به ۶۰ درصد ارتقا یافته و بازار سرمایه را درگیر کند. موضوع دیگر در فضای بازاریابی بین المللی ایران، تأثیر سیاست و بحران های سیاسی بین المللی بر اقتصاد است. سیاست، استفاده بهینه از امکانات و پرهیز از حرکت بر مبنای ذهنیات و رؤیای پردازی ها می باشد. حال اگر این تعریف را به حوزه سیاست گذاری های اقتصادی تسری دهیم، باید بهره برداری بر مبنای امکانات موجود، مبنای سیاست گذاری های کشور قرار گیرد. نکته مهم این است که با پیش داوری ها و ذهنیات منفی به ارزیابی امور نپردازیم و فقط این اندیشه را در ذهن بیروانیم که چگونه باید از تغییرات ایجاد شده خصوصاً در اقتصاد جهانی، به بهترین نحوه ممکن استفاده کنیم. ■

فلسفه حمایت موقت، با قاطعیت و در چارچوب زمان تعیین شده، به رشد مورد نظر دست یابیم. از طرف دیگر، صنعت تحت حمایت، برای رسیدن به چشم انداز بهتر، ناگزیر باید در زمینه بهره برداری از خلاقیت ها و ایده های مولد، سرمایه گذاری کند. در واقع از این طریق، کمبود ناشی از عدم سرمایه گذاری در بخش تحقیقات صنعتی نیز برطرف شود.

بدیهی است با ورود به بازارهای بین المللی، مشکلات صنایع کشور به طور کلی و برای همیشه حل خواهد شد، چراکه در این صورت، به توان فنی و فکری لازم و رشد تکنولوژیکی کافی دست خواهیم یافت، در حالی که هم اکنون صرفاً مصرف کننده تکنولوژی هستیم نه تولیدکننده آن. از آنجا که معمولاً مصرف کننده تکنولوژی، یک دوره زمانی از تولیدکننده آن عقب تر است، این فاصله جز با قرار گرفتن در پوشش حمایت موقت دولت پر نخواهد شد. زیرا در این صورت می توان با کسب توان تولید تکنولوژی، به تدریج تبدیل به کشوری تکنولوگ شد که این امر، خود یکی از وجوه تمایز سیاست حمایت موقت از استراتژی جهت گیری صادراتی است.

ناگفته پیداست که اجرای سیاست جهت گیری صادراتی، قطعاً با یک اقتصاد دولتی امکان پذیر نخواهد بود و تحقق این امر، مستلزم تحقق خصوصی سازی به معنای واقعی کلمه است. در این راستا، باید تجربه ناکام خصوصی سازی را در سال ۷۲ همواره به عنوان

## اقتصاد ۸۸، تداوم مشکلات پیشین

# سالی که نکوست از بهارش پیداست؟



تحلیلی از دکتر علی رشیدی، نایب رییس انجمن اقتصاددانان، در رابطه با طرح تحول اقتصادی دولت و سرنوشت هدفمند کردن یارانه ها در سال ۸۸

امروزه ۷۰ درصد شاکله بودجه دولت چه به طور مستقیم و چه غیرمستقیم (مالیات بر شرکت نفت و مالیات بر واردات)، به درآمدهای ناشی از فروش نفت و گاز وابسته است. علاوه بر این، کلیه برداشته ها از حساب ذخیره ارزی را نیز باید به حساب کمک های نفت به بودجه دولت گذاشت.

یکی از مباحث مهم مورد بررسی صاحب نظران در روزهای پایانی سال ۸۷ موضوع هدفمند کردن یارانه ها بود که با توجه به نگرش سیاسی به موضوع، پرداخت نقدی یارانه ها به ۷ دهک پایین درآمدی - که در مجموع رقمی در حدود ۳۰ هزار میلیارد تومان خواهد شد - مورد توجه دولت قرار گرفت؛ پول نقدی که فعلاً وجود ندارد و ممکن است هرگز وجود نداشته باشد. ولی باید گفت تصویب این طرح، انتظار و توقع دریافت این پول را برای طبقات پایین جامعه به وجود خواهد آورد.

البته آنچه در بحث های مربوط به اصلاح ساخت یارانه ها در سال گذشته مطرح شد، مباحث اصلاح یارانه ها و بهینه سازی مصرف سوخت بود. در حالی که طرح منطقی کردن یارانه ها با منطقی کردن مصرف سوخت و حامل های انرژی متفاوت است. یارانه ها را باید به کسانی پرداخت که از مزایای توسعه اقتصادی نامتوازن حاصل از خرج درآمدهای نفتی، کمتر بهره مند شده اند. پرداخت پول نقد - طبق تجربه همه کشورها - بدترین روش توزیع رفاه است. واگذاری دستوری سهام عدالت، مواجه کردن شرکت ها با کمبود نقدینگی - به دلیل توزیع پول بین طبقات کم درآمد و راضی نگاه داشتن آنها - و پرداخت وام های کم بهره اشتغال و مسکن، همگی راه های نادرستی است که نتیجه آن، عدم وصول ۵۰ درصد کل وام های سیستم بانکی (حدود ۲۸ میلیارد تومان) و ناتوانی بانک ها در اعطای تسهیلات تولیدی و مولد اشتغال و درآمد می باشد.

البته باید دقت کرد که منطقی سازی مصرف حامل های انرژی، از ضروری ترین تغییرات در ساختار کل مصرف در ایران است. در خرداد ۸۷ با افزایش جهانی قیمت های نفت، اقتصاد ایران حدود ۱۱۸ میلیارد دلار از انواع شش گانه حامل های انرژی را مصرف کرده و فقط ۶/۷۸ درصد ارزش آن را پرداخته است. به طوری که برآورد می شود مصرف کنندگان برق، تنها ۲۱/۳ درصد، مصرف کنندگان بنزین ۱۵

درصد و مصرف کنندگان گاز طبیعی فقط ۴/۳ درصد ارزش حامل های مذکور را پرداخته اند. از طرف دیگر، مصرف نهایی انرژی سرانه در کشور از ۱۰/۱۷ بشکه معادل نفت خام در سال ۵۷ به ۱۵/۶۱ بشکه در سال ۸۶ افزایش یافته است (رشد سالانه معادل ۳/۹۷ درصد). در عین حال، شدت مصرف انرژی در ایران بیش از دو برابر متوسط جهانی و چهار برابر اتحادیه اروپا است. بنابراین ارزیابی و فراوانی انرژی، ظاهراً مهمترین عامل اتلاف آن می باشد.

از طرفی با توجه به سقوط قیمت نفت فوب خلیج فارس تا حدود بشکه ای ۳۸ دلار، افزایش قیمت نفت و فرآورده های نفتی در کشور می تواند معتدل و تدریجی - مثلاً طی یک دوره ۳ ساله - اعمال شود، ولی درآمدهای حاصل از آن را که در حدود ۶۴ میلیارد دلار طی ۳ سال می باشد، باید به جای توزیع نقدی بر اساس یک بسته حمایتی کنترل مصرف سوخت، جهت اجرای ۴ برنامه بهبود تکنولوژی سوخت، سامان دهی صنعت خودروسازی و تغییر جهت آن در مسیر تولید ماشین آلات و ابزار کشاورزی، سامان دهی سیستم حمل و نقل عمومی (درون شهری و برون شهری) و مهندسی ترافیک شهری و جاده ای هزینه کرد.

## بهاری نیکو، سالی خوش!

چشم انداز اقتصاد ایران در سال ۸۸ از هر نظر غیرشفاف می باشد. در سال ۸۷ درآمدهای ارزی حاصل از صادرات نفت در حدود ۸۲ میلیارد دلار بود که این رقم در سال ۸۸ تنها ۲۸/۳ میلیارد دلار برآورد شده است. در بهترین حالت، بودجه سال آینده ۳۰ هزار میلیارد تومان (حدود ۳۰ میلیارد دلار) کسری دارد و اگر سطح مخارج سال جاری حفظ شود، این کسری حدود ۵۴ میلیارد دلار خواهد بود. در این راستا، پاسخ به این سؤالات از اهمیت زیادی برخوردار است.

آیا دولت با توجه به سقوط درآمدهای ارزی و به تبع آن درآمدهای ریالی، می تواند با برقراری انضباط مالی، هزینه ها را واقعی سازد؟ آیا می تواند ده ها ردیف